

سناریوی گام به گام ترکیه برای اشغال کردستان و خشکاندن دجله - فرات

نویسنده گزارش: آزاد موکری

پایگاه‌های نظامی ارتش ترکیه در اقلیم جنوب کردستان

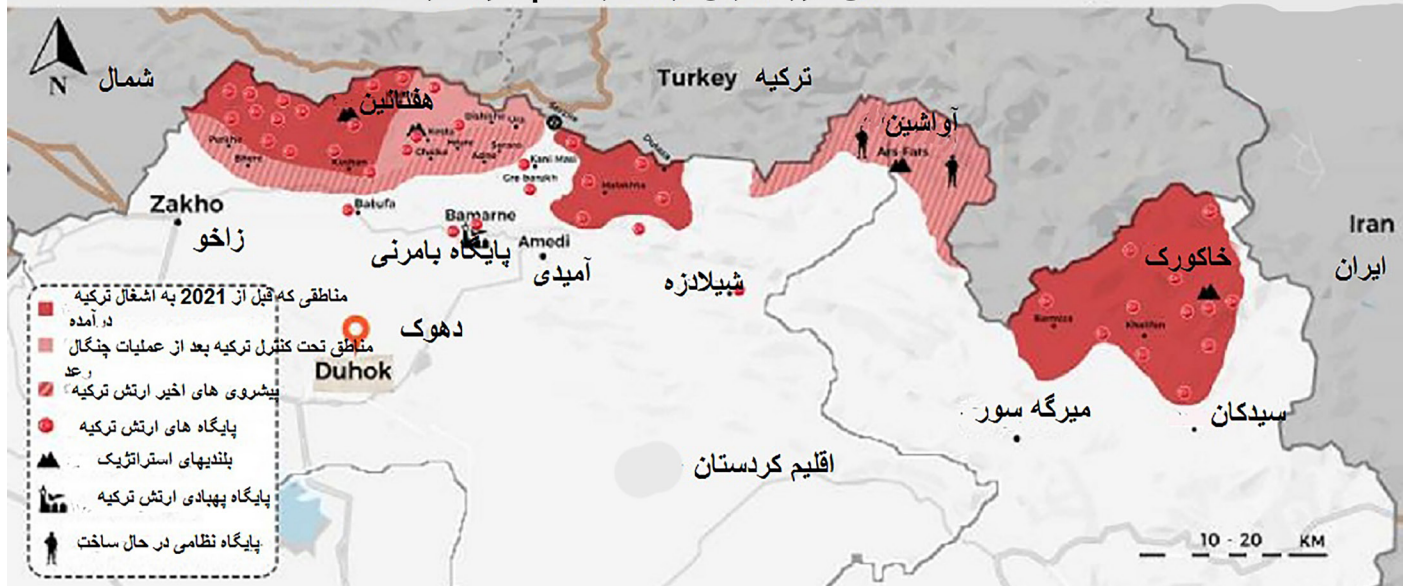


راهبرد ترکیه برای تسلیم پذیر ساختن عراق و سوریه که منجر به تسلیم شدن کامل عرب و کورد طبق توهمات نظامی - سیاسی ترکیه فاشیست می‌شود، اشغال شمال عراق یا اقلیم جنوب کردستان است. مناطق مدنظر ترکیه که بر اساس نقشه گام به گام پیش می‌رود همان مناطق فرادست موسوم به «خط ۳۶» است و سه استان دهوک، هوییر و سلیمانیه را در بر می‌گیرد. این منطقه شامل بخش کوهستانی کشور عراق و اقلیم کردستان می‌باشد. استان‌های موصل، کرکوک و خانقین که بخشی از خاک اقلیم کردستان هستند نیز در زیر خط ۳۶ قرار دارند، اما بعنوان بخش دشت جغرافیای مدنظر ترکیه، در نقشه اشغال ترکیه جای دارد.

در روز ۱۸ فوریه ۲۰۲۲ در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ در آلمان نچيروان بارزانی با «خلوصی آکار» وزیر دفاع ترکیه دیدار و در خصوص تداوم جنگ علیه جنبش آزادیخواهی آپویتی تصمیماتی اتخاذ کردند.

ایجاد به تعبیر خود ترکیه «منطقه امن» در شمال سوریه هم با هدف سیطره بر مناطق کوهستانی و آبی سوریه خواهد بود. در گزارش حاضر به اهداف و راهبرد بنیادین ترکیه برای سیطره بر عراق و سوریه برای مبدل شدن به قدرت نخست خاورمیانه، می‌پردازیم که بعنوان رقیب قدر قدرت ایران وارد یک مرحله پرمخاطره از اشغالگری و قدرت‌نمایی شدیداً تنازعی شده‌اند.

مناطق مورد تعرض ترکیه در اقلیم جنوب کردستان



اشغال مناطق کوهستانی

در گام نخست حملات اشغالگرانه ارتش ترکیه به خاک اقلیم جنوب کردستان که با هدف تسلیم‌پذیری کامل عراق صورت می‌گیرد، اشغال مناطق کوهستانی فوق‌العاده راهبردی و کاملاً بکر، اولویت اول می‌باشد. ترکیه مناطق کوردنشین شمال عراق را به دو بخش در ژئوگرافی نظامی و سیاسی خود تقسیم نموده: مناطق کوهستانی که گریلاهای «نیروی مدافع خلق (ه.پ.گ)» در آن مستقر هستند. و مناطق دشتی که مناطق پایین‌دست زیر خط ۳۶ می‌باشد که نسل‌کشی انفال و حلبچه در این منطقه دشتی بطور عمده انجام گرفته. این بخش‌های غربی و جنوبی اقلیم کردستان چندان کوهستانی نیست و زمین‌های آن بیشتر به صورت تپه‌ماهور و دشت است. این



منطقه با این وجود نسبت به دیگر مناطق مسطح عراق سرسبزتر است. در صورت اشغال اقلیم کردستان، برخوردهای فاشیستی ترکیه در زمینه‌های زبان، تاریخ، فرهنگ، دموگرافی، حاکمیت محلی و بسیاری موارد دیگر دهها بار بدتر از آنچه در عفرین انجام می‌دهند خواهد بود. در سال ۲۰۲۱ به گاره حمله کردند و خیال می‌کردند در صورت پیروزی در آنجا، طی سه ماه همه مناطق تا قنديل را به آسانی اشغال خواهند کرد، اما گریلا به طرز بی‌ظنیری نبرد کرد و ارتش ترک دچار شکستی مفتضحانه شد. آن دولت تحمل آن شکست را ندارد و چون اثبات شد که به تنهایی قادر به پیشروی نیست، پ.د.ک را بیش از پیش وارد بازی کثیف اشغال مناطق گریلایی کرده‌اند. اگر در این عملیات هم شکست بخورند، دیگر هرگونه موفقیت نظامی برای آن ارتش اشغالگر غیرممکن خواهد شد. اردوغان و باغچلی فقط یک سال برای اشغال شمال عراق و سوریه فرصت دارند.

خط ۳۶ درجه پس از جنگ کویت و عراق و وضع ممنوعیت پرواز عراق به بالای آن خط در سال ۱۹۹۱ ترسیم شد که با اولین نبردهای حزب کارگران کردستان علیه ارتش بعث عراق در منطقه درکار زاخو، قیام خلق کورد تحت عنوان «راپهرین» آغاز شود و در رانیه به اوج رسید. پس از رفراندوم اقلیم کردستان برای استقلال در سال ۲۰۱۷ با زهم حکومت محلی اقلیم کردستان به مرزهای بالای خط ۳۶ رانده شد و مناطق کرکوک و خانقین به اشغال ارتش عراق و حشدشعبی درآمدند اما شنگال بخاطر حضور گریلاهای ه.پ.گ مقاومت کرد و خودمدیریتی دموکراتیک تأسیس کرد.

در مناطق کوهستانی اقلیم منابع عظیم آب و چوب همراه با معادن سرشار وجود دارد و در کوهستان‌های مرتفع و صعب آن نیز نیروهای گریلا مستقر می‌باشند که منطقه تحت حفاظت خود را «از سال ۲۰۰۳ رسماً «مناطق حفاظتی مدیا» نامیده‌اند. این منطقه فوق استراتژیک آماج اساسی حملات ارتش ترکیه می‌باشد. ترکیه تصور دارد که با اشغال این مناطق کوهستانی در آینده می‌تواند امپراتوری عثمانی را احیا کند و یا کشوری شبیه آن تشکیل دهد. در همان مناطق کوهستانی با احداث سدهای زیاد می‌تواند سرچشمه‌های رود دجله به پائین‌دست عراق که همچو شاه‌رگ و شریان حیاتی آن کشور می‌باشد را بخشکاند که در آن صورت به

هدف خود یعنی تبدیل عراق به یک بیابان کاملاً خشک نزدیک می‌شود. گام نخست حمله نابودی نیروی گریلا با استفاده ابزاری از حزب دموکرات کردستان به ریاست بارزانی است. بدون نابودی گریلا به هیچ‌یک از اهداف راهبردی خود نخواهد رسید. بنابراین استراتژی ترکیه در مورد شمال عراق و اقلیم کردستان، درازمدت و دارای مراحل عملیاتی چندگانه است و ارتش ترکیه موظف به اجرایی کردن یکایک مراحل آن می‌باشد. منطقه کوهستانی واقع در استان‌های دهوک، هولیر و بخشی از سلیمانیه تا قنبدیل نیز در مناطق پایین دست «پروژه گاپ» قرار دارند.

پروژه گاپ یک منطقه وسیع به وسعت دو استان را دربرمی‌گیرد و تمامی سرچشمه‌های دجله و فرات از آن نشأت می‌گیرد و بطور مخفیانه اسرائیل هم در آن مشارکت دارد. طرح‌های توسعه ترکیه موسوم به «گاپ (GAP)» شامل سد بزرگ ایلیسو است که عملیات احداث آن در سال ۲۰۰۶ و در قالب طرح گاپ آغاز شده است و نیز در نیمه آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ بر روی رودخانه دجله افتتاح شد. سد یادشده که به لحاظ حجم مخزن بسیار بزرگ‌تر از حجم‌ترین مخزن سد در ایران یعنی کرخه است، به تنهایی می‌تواند از ورود بیش از ۶۰ درصد منابع آب دجله به خاک عراق جلوگیری کند. طبق راهبرد سدسازی تحت پروژه گاپ، برنامه‌ریزی شده است که ۱۴ سد مخزنی بر روی رود فرات و ۸ سد مخزنی بر روی رودخانه دجله ساخته شود. طرح گاپ تاکنون موجب بحران‌های بسیار شدید محیط زیستی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی امنیتی برای همه کشورهای منطقه و حتی خود ترکیه شده است.

گاپ و داپ

«پروژه مخوف گاپ» برای خشکاندن رودهای بزرگ و تاریخی «دجله و فرات» و «پروژه داپ» نیز جهت خشکاندن «روخانه ارس» در شمال ایران و استان اورمیه توسط ترکیه اردوگانی عملیاتی گشته‌اند.



خشکاندن دجله و فرات

ترکیه با اشغال منطقه کوهستانی شمال عراق می‌تواند ۱۰۰ درصد آب دجله و فرات را مهار کند، بخشکاند و دولت مرکزی عراق و حکومت محلی هولیر را به زانو درآورد. امسال بنا به آمارهای رسمی دولتی، قریب ۵۰ درصد از میزان آبهای عراق کاهش یافته. در این منطقه کوهستانی آب و معادن اولویت دارند و ترکیه تاکنون بیش از ۵۰ پایگاه نظامی در آن منطقه احداث نموده که تقریباً ۹۰ درصد کل تعداد پایگاه‌های ارتش اشغالگر آن کشور می‌باشد. پروژه گاپ به کل موجودیت عراق به واسطه رودهای حیاتی دجله و فرات ربط دارد. بدون این هدف توسعه‌طلبانه و اشغالگرانه علیه عراق، آن پروژه معنایی نخواهد داشت. هدف، حاکمیت بلامنازع بر بین‌النهرین تاریخی است که مهد پروردن و حفظ هزاران ساله خلق‌های متعدد خاورمیانه‌ای می‌باشد.



خشکاندن دجله و فرات و بیابانی شدن کامل عراق



منطقه دشت اقلیم کردستان

گام دوم ترکیه اردوغانی، اشغال مناطق کردنشین زیر خط ۳۶ درجه شامل سنگال، موصل، کرکوک و خانقین است که دارای منابع سرشار نفت و گاز می‌باشد و رودخانه‌های دجله و فرات هم از آن مناطق گذر می‌کنند. نفت و گاز در این منطقه دشتی مکمل منابع «آب و چوب و معدن» مناطق کوهستانی می‌گردد. بنابراین به راحتی قادر به مبدل شدن به قدرت نخست عراق می‌گردد و دیگر لازم نیست که کل عراق را تحت اشغال نظامی درآورد. چه بسا تکیه ترکیه بر ترکمن‌های مناطق تلعفر، موصل و کرکوک است و از هم‌اکنون در صدد حذف کردها و اعراب در پایگاه‌های قدرت حکومت محلی است. پایگاه‌های نظامی ارتش ترک در بعشیکه و زیلکان در نزدیکی موصل که دارای بیش از ۵ هزار سرباز است، در همان راستا احداث شده‌اند.

مناطق مورد هدف در مرحله نخست

هدف راهبردی ترکیه، اشغال قریب ۱۶۰۰ کیلومتر از نواحی مرزی جنوب و روزاوی کردستان از عفرین تا خاکورک و قندیل است که منطقه‌ای به پهنای ۵۰ کیلومتر را دربرخواهد گرفت. ترکیه در صدد است حتی با شعله‌ورساختن یک جنگ شیمایی، مناطق ذیل را در مرحله نخست عملیات برون‌مرزی اشغال نماید:

* منطقه «دوسکی‌بالا» متشکل از هفت روستا.

* قریب ۲۰ روستا نرویه‌کان.

* مناطق محل اسکان عشیره ریکانی متشکل از ۷۵ روستا.

* مناطق محل اسکان عشیره نهیلی متشکل از ۸ روستا.

به همین دلیل روستائیان آن مناطق را تحت فشار قرار می‌دهد و در روزهای ۱۴ و ۱۵ آوریل ۱۲ تن از ساکنین منطقه برادوست را بازداشت کرد. چندین روستا را در مناطق زاپ، متینا و آواشین بمباران و توپ‌باران کرده. در صورت پیروزی ترکیه در عملیات کنونی که خود آن را «پنجه - کلید» نامیده، تمامی آن مناطق و روستاهای آن به اشغال کامل و همیشگی ارتش و دولت متعرض آن کشور درخواهند آمد و همانند مناطق هاتای سوریه هیچ‌وقت از آن بیرون نخواهد رفت. بنابراین هدف راهبردی، ضمیمه‌کردن به خاک خود است. پس از مرحله نخست و اشغال مناطق فوق‌الذکر، در صورت موفقیت سناریوی ارتش متعرض، مناطق نامبرده ذیل نیز در گام دوم عملیات نظامی به اشغال کامل درخواهند آمد:

* بخشی از مناطق حاشیه رود زاب.

* کنترل کامل بر قریب ۵۰۰ چشمه آب.

* چندین منطقه دارای منابع طبیعی و معدنی.

* دهها منطقه توریستی در حومه زاب، متینا، آواشین، خاکورک - سیدکان و مناطقی در زاخو.

لازم به ذکر است که مناطق مورد هدف اشغالگری ترکیه، در طول تاریخ بکر بوده و هیچگاه حاکمیت بعث عراق هم قادر به اشغال آن مناطق نشده بود. کوهستان‌های صعب‌العبور مناطق نامبرده برای جنگ‌های چریکی مساعد است و اشغال آن برای ارتش ترکیه هم بسیار دشوار می‌باشد.

بنا به گفته منابع موثق که خواستند نامشان فاش شود، یک هفته قبل از آغاز عملیات اشغالگرانه ارتش فاشیست ترکیه، فرماندهان نیروهای حزب دموکرات موسوم به «نیروی زیروانی، پیشمرگه‌های روژ، نیروی آسایش و نیروی گارد ویژه» در شهرستان «آمیدی» جهت هماهنگی‌های لازم، با فرماندهان ارتش ترکیه نشستی دوجانبه برگزار کرده‌اند.



هماهنگی با هژمونی جهانی

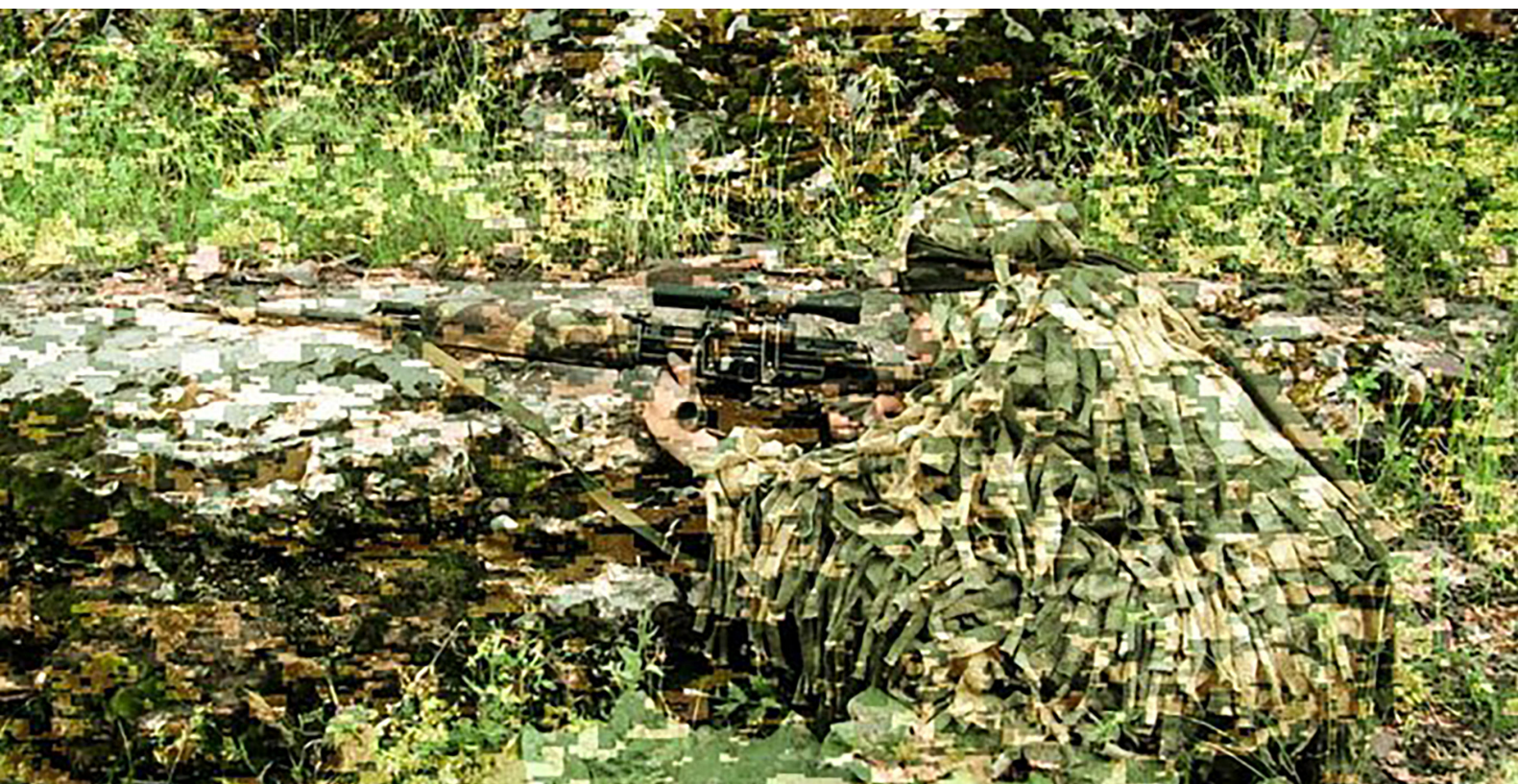
اردوغان پس از گرفتار شدن ترکیه با بحران‌های عدیده بویژه بحران باختن مشروعیت حزبش و بحران‌های کمرشکن اقتصادی و نیز به دنبال شکستش در یک سال جنگ علیه گریلا پس از حمله به منطقه گار، پی برده که به تنهایی قادر به نابودی نیروی گریلا و اشغال کامل مناطق حفاظتی مدیا نیست. به همین دلیل روابط خود را با هژمونی جهانی از جمله آمریکا، بریتانیا و ناتو را گسترش داده و با ائتلاف عربی و اسرائیل نیز ساخت و پاخت می‌کند. همچنین به کشورهای عربی نزدیک‌تر می‌شود تا هنگام اشغال شمال عراق و سوریه به مخالفت‌های جدی برنخیزند. در فاز کنونی از سیاست خارجی ترکیه، حتی برای رسیدن به اهداف اشغالگرانه، درصد برقراری روابط دوستانه مجدد با رژیم بعث سوری است. اردوغان تمامی قدرت و نیروی داخلی و خارجی ترکیه را برای اشغال بخش‌های کردستان و پاکسازی دموگرافی آن بسیج کرده. مشخص نیست که تحولات سریع و شدیداً کائوتیک منطقه‌ای و جهانی تا چه اندازه به اردوغان و فاشیسم ترکیه اجازه تعرضات بیشتر و حصول پیروزی خواهد داد زیرا در صورت ناکامی در نبرد با گریلا، تمامی هست و نیست اردوغان و حاکمیتش به خطر خواهد افتاد.

شیوه جنگی گریلا

«حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)» با نیروی حرفه‌ای و چریکی گریلا بیش از چهار دهه است در مناطق کوهستانی اقلیم جنوب کردستان از زاخو تا قندیل مستقر هستند و بطور طبیعی و ناخواسته یک سد بزرگ علیه ترکیه تشکیل می‌دهند تا عراق را اشغال نکند. معمولاً و مطابق عرف، یک نیروی گریلایی اساساً وظیفه‌اش انجام جنگ‌ها و نبردهای نامنظم «چریکی» است نه «جبهه‌ای» ولی گریلا در «مناطق حفاظتی مدیا» از سال ۱۹۸۳ میلادی تاکنون که ترکیه ۳۵ حمله برون‌مرزی علیه آن مناطق انجام داده، به طرز باورنکردنی و در اوج حرفه‌ای و توانمندی سرشار از راهبرد، برنامه و تاکتیک، به جنگ چریکی علیه ترکیه دست زده که یک ریسک بسیار خطرناک برای یک نیروی چریکی می‌باشد. بنا به همین دلایل و باتوجه به اینکه ارتش ترکیه بعنوان دومین ارتش مجهز ناتو از تجهیزات و سلاح‌های فوق‌پیشرفته برخوردار گشته، مقاومت جبهه‌ای و چریکی توأمان آن نیروی فدایی در مناطق گاره، زاپ، متینا، آواشین، زاگرس و خاکورک در حد یک «معجزه» است نه یک جنگ عادی. چراکه اگر هر نیروی سنتی دیگری از هر حزبی می‌بود تاکنون دهها بار نابود شده بود. پس شیوه جنگی نیروی ه.پ.گ یک شیوه بی‌نظیر جهانی است که هژمونی سرمایه‌داری جهانی از سرایت آن به سایر کشورهای جهان که ملت‌های تحت ستم در آنها مبارزه می‌کنند، هراس دارد و بخشی از دلایل حملات برون‌مرزی ترکیه با پشتیبانی ناتو را همین مقولات تشکیل می‌دهند.

حمله به مناطق گریلایی فقط بعد «نظامی» احیای امپراتوری عثمانی را تشکیل می‌دهد و ابعاد «جنگ سیاسی و اقتصادی» آن را با یاری حزب پ.د.ک در شمال عراق تحقق می‌بخشد. بخشی از استراتژی درازمدت ترکیه وقوع «جنگ داخلی» میان احزاب کوردی بویژه پ.ک.ک و پ.د.ک است و با این جهت‌دهی‌های مخاطره‌آمیز، پ.د.ک را بسوی پرتگاه سوق می‌دهد. جنگ جاری که از سال ۲۰۱۶ آغاز شده، با انجام عملیات برون‌مرزی اخیر به مراتب خطرناک‌تر از مراحل قتل‌عام‌های حلبجه و انفال می‌باشد. اساساً در سال ۱۹۹۲ لایحه این جنگ را پارلمان حزب پ.د.ک در هولیر به تصویب رسانده است.

پس مبارزه فدایی نیروی گریلا تمامی نقشه‌های ترکیه برای ویران‌ساختن کردستان، عراق و سوریه و نسل‌کشی کورد و عرب را خنثی می‌سازد و خدمت بزرگی به پروسه آزادی و دموکراسی در خاورمیانه می‌کند.



نابودی احزاب جنوب کردستان

ترکیه برای رسیدن به اهداف راهبردی خود «حزب دموکرات کردستان (پ.د.ک)» را دستاویز خود قرار داده است. بخشی از سناریوی خطرناک ترکیه با همکاری پ.د.ک، نابودی و یا تضعیف و تسلیم پذیر ساختن سایر احزاب کوردی اقلیم جنوب کردستان است. بیش از همه حزب حاکم «اتحادیه میهنی کردستان (ی.ن.ک)» در خطر قرار دارد. هر یک از این احزاب به اندازه پ.د.ک در معرض تهدیدهای مکرر ترکیه قرار گرفته‌اند. پ.د.ک تنها حزب سرسپرده و گوش به فرمان برای ترکیه و هژمونی جهانی سرمایه‌داری می‌باشد که هر عملیاتی را برای آنها به اجرا درمی‌آورد و اساسا با همان هدف تأسیس گشته و به قدرت رسانده‌اند. فلذا این توجیهات و خیال‌های بی‌پایه که هدف ترکیه فقط نابودی پ.د.ک است، وهمی و سطحی‌نگرانه جلوه می‌کند. لایه‌های هزارتوی سناریوی درازمدت ترکیه، کل موجودیت‌های خلقی، سیاسی، نظامی، کوردی و عربی را آماج حملات بی‌رحمانه قرار داده است.

تنش آبی علیه ۱۵ استان ایران

پروژه گاپ و داپ قریب ۱۵ استان ایران و شرق کردستان را درگیر تنش آبی و محرومیت از حبابه می‌سازد و با افزایش میزان آلاینده‌های ریزگردها، سراسر ایران دچار بی‌آبی و نیز طوفان ریزگردها خواهد شد. بنابراین پروژه‌های سدسازی ترکیه خاصه گاپ، قلب خاورمیانه حتی خود ترکیه را دچار سکت می‌کند. حاکمیت ظالم ترکیه بدون اشغال نظامی شمال عراق و سوریه هیچگاه قادر به اجرایی کردن این پروژه‌های نابودگر خود در راستای اهداف نئوعثمانی‌گری نخواهد شد. بنا به همین دلایل نظامی و سیاسی است که سروصدای ایران علیه سدسازی ترکیه را درآورده و ممکن است در آینده بخاطر تهدیدات امنیتی فزاینده به رویارویی نظامی دو کشور هم منجر شود. اساسا سدسازی‌های ترکیه در تضاد با حقوق بین‌الملل و قوانین جهانی است و کشورهای همجوار می‌توانند پرونده‌هایی وزین علیه آنکارا بخاطر نقض حقوق بشر و حبابه، در دادگاه‌های بین‌المللی تشکیل دهند.

نتیجه

رهبر اوجالان دهه‌هاست نسبت به اهداف اشغالگرانه ترکیه حتی پروژه گاپ و مقوله لشکرکشی‌های برون‌مرزی‌اش هشدار داده. مدام تأکید کرده‌اند که ترکیه از مقوله آب بعنوان یک حربه نظامی و جنگ‌افروز علیه کشورهای همجوار استفاده می‌نماید و حضور نیروهای گریلا در مناطق حفاظتی مدیا را نیز بهانه توسعه‌طلبی و تعرض و تجاوزات خود قرار می‌دهد. هوس‌بازی‌های ترکیه منجر به نابودی جانکاه خلق‌ها و زیست‌بوم می‌گردد و اگر امروز به هشدارها در این خصوص توجه نشود، فردای روز بسیار دیر خواهد بود. فاشیسم ترکیه با اشغال مناطق کوهستانی و دشتی اقلیم کردستان، قصد دارد آن را به خاک خود ضمیمه سازد و قطعا خطر بروز جنگ میان ملت‌ها را چندبرابر ساخته. اگر امروز به این هشدارهای حیاتی توجه نشود، فردا با اشغال مناطق وسیعتر، نه تنها جنبش‌های کوردها، بلکه اعراب سوریه و عراق هم قادر به مقابله به‌مثل و بازپس‌گیری حقوق خود نخواهند شد. فاشیسم ترکیه بدون نابودی جنبش آزادیخواهی کورد می‌تواند مطابق پیمان میثاق ملی مرزهایش را گسترش دهد و اگر اردوغان و باغچلی در این عملیات برون‌مرزی موفقیتی حاصل نکنند محاکمه و مجازات خواهند شد. گسترش این مرزها بدون دستیابی به منابع انرژی و جغرافیای غنی سرشار از آب و نفت و گاز، ممکن نمی‌گردد و بدون منابع غنی مذکور قادر به شکست تاریخی ایران برای مبدل‌شدن به قدرت برتر خاورمیانه نخواهد شد. بنابراین مبارزات نیروی گریلا در مناطق حفاظتی مدیا آزادی و رهایی کل خاورمیانه را در بطن خود می‌پروراند. مناطق حفاظتی مدیا قلب تپنده هر چهاربخش کردستان است. لازمه پیروزی در این نبرد رهایی نیز اتحاد راهبردی میان خلق‌های کورد و عرب است.

